

رؤیاهای من

من همیشه به زیبایی های زندگی فکر می کنم؛
 به خنده و شادی،
 به محبت و مهربانی،
 به دوستی و صمیمیت،
 به برادری،
 به برابری
 و به ...

من در رؤیاهایم جهان را زیبا می بینم؛
 دنیایی پر از ...
 لبخند و شادی،
 صلح و آرامش،
 عشق و دوستی،
 راستی و درستی،
 محبت و مهربانی.
 ... جایی که زشتی و ستمگری
 و خیانت و خطا کاری در آن نباشد.
 ... جایی که ...
 ... و آرزو می کنم همیشه مهربان باشم
 و همه مهربان باشند؛
 و همه با هم دوست باشند
 و ...

و آرزو می‌کنم

کسی بیاید

که با آمدنش به زندگی ما لبخند و شادی هدیه کند؛

و عشق و دوستی،

ایمان و امید،

راستی و درستی،



و برای ما آرامش و صلح بیاورد
و دوستی و برادری،
محبت و مهربانی
و عدالت و برابری.



- چه وقت آرزوهای من و همه‌ی بچه‌ها برای زیباتر شدن جهان برآورده می‌شود؟
- آیا فقط آرزو کردن کافی است یا این که باید...؟



- من می‌توانم زیبایی‌های زندگی را بیشتر کنم؛ با گفتارم، با رفتارم، با ...





کسی مرا می بیند!

- : هیچ کس این جا نیست؛ می توانم آشغال ها را همین جا روی زمین بریزم.
- : هیچ کس این جا نیست؛ می توانم دیوار را خط خطی کنم.
- : کسی این جا نیست؛ می توانم میوه ها را بی اجازه از درخت بچینم و بخورم.



- : شاید کسی به من ایراد نگیرد؛ چون مثل این که کسی مرا نمی بیند!

اما چرا ... انگار کسی هست...

خودم ...

خودم که هستم!

من خودم را می بینم.

آه ... کس دیگری هم هست!

بلی ... او!

او مرا می بیند!

من این را به خوبی احساس می کنم.



- ... از این که وقتی کار خوبی انجام می‌دهم کسی مرا ببیند، چه احساسی دارم؟
- از این که خداوند مرا همواره می‌بیند و مراقب من است، چه احساسی دارم؟



- من می‌توانم کارهایی انجام دهم که او همیشه از من خشنود باشد؛ کارهایی مثل ...

تصویر ماندگار ...

مشغول بازی در بوستان محله بودیم.

عمو فرهاد، مشغول کاشتن گل های بنفشه بود. او با بیلچه اش، در خاک مرطوب باغچه، چاله های کوچکی درست می کرد سپس، بنفشه ها را به آرامی از گلدان ها بیرون می آورد و در خاک می کاشت.

از بازی دست کشیدیم؛ جلو رفتیم و به پیرمرد باغبان سلام کردیم و گفتیم:

«عمو جان! دوست دارید ما هم در این کار به شما کمک کنیم؟»

چه قدر خوش حال شد!

ابتدا روش کاشتن گل ها را از او آموختیم سپس، هر یک مشغول گل کاری در قسمتی

از باغچه شدیم.

پس از مدت کوتاهی، بخش بزرگی از باغچه پر از گل شد.



—: «بچه ها! ... بیاید این جا! ... بیاید یک چیز جالب ببینید!»

دوست ما امید بود که از پنجره ی خانه شان ما را صدا می زد. خانه ی آن ها نزدیک

بوستان است.

همه به خانه ی امید رفتیم. او یک دوربین فیلم برداری کوچک در دست داشت.

امید، هنگام کمک کردن ما به عمو فرهاد، به کمک پدرش از ما تصویرهای زیبایی

گرفته بود.



تصاویر را دیدیم.

چه قدر جالب بود ...!





- چرا دیدن آن تصویرها برای بچه‌ها جالب بود؟
- راستی خود من، چه وقت‌هایی از دیدن تصویر کارهایم خوش حال و چه زمانی غمگین می‌شوم؟



- ... به کارهای نیکی فکر کنم که خداوند را از من راضی و خشنود می‌گرداند و مرا در جهان آخرت، سرافراز می‌کند. کارهایی مثل ...



- فرشتگان خدا کارهای ما را ثبت می‌کنند. مثل این که تمام لحظه‌های نیک و بد زندگی ما ضبط شود، تا این که در جهان آخرت آن‌ها را ببینیم و خوش حال شویم یا این که ...
- کارها و حتی فکرهای خوب ما خیلی زود ثبت می‌شوند اما کارهای بد ما دیرتر ثبت می‌شوند، شاید پشیمان شویم و از خداوند طلب بخشش کنیم.





آرزوی بزرگ من

روزها،

با نشاط و پر از امید
از راه می آیند
و با خاطراتی زیبا و به یاد ماندنی
به پایان می رسند.
همراه با دوستی ها،
همراه با محبت ها،
همراه با نیکی ها
و ...

اما ...

بعضی وقت ها،

غروب

با افسوس همراه می شود؛

به خاطر کارهایی که باعث اذیت و آزار دیگران شده است،
برای فرصت های خوبی که با کارهای بیهوده هدر رفته است،
به خاطر ...
در آن هنگام،

من

آرزو می کنم

که این لحظه های بد

بروند و دیگر تکرار نشوند

و روز به روز به روز به نیکی ها و زیبایی های زندگی افزوده شود.

من

دوست دارم خوب باشم

و کارهای نیک انجام دهم

و همه کارهای نیک انجام دهند

و می دانم

که در جهان آخرت، پاداش کارهایم را خواهم گرفت

حتی اگر کسی آن‌ها را ندیده باشد.

من آرزو می کنم

که در جهان آخرت

سربلند باشم

و همه سربلند باشند؛

شاد و خندان باشم

و همه شاد و خندان باشند

و خداوند

از گفتار و کردار من راضی و خشنود باشد.

من آرزو می کنم...



- برای سربلندی در جهان آخرت، چه کارهایی می توانم انجام دهم؟
- چگونه می توانم در این باره از خداوند کمک بخواهم؟



- من هم می توانم آرزو کنم؛ آرزوهایی برای خودم و دیگران. من می توانم از خدای مهربان بخواهم ...



پروردگارا،

ما به تو ایمان آورده ایم.

ما را ببخش و رحمت خویش را نصیب ما کن؛

تو بهترین بخشنده و مهربانی.

من می توانم هنگام عبادت یا هر زمان دیگری که بخواهم، این دعای زیبا را بخوانم.

